

راه حسین علیه السلام ادامه دارد...



نهضت امام حسین علیه السلام نهضت محمدی اسلامی اصیل است که هدف آن اصلاح فرزندان این امت و آماده سازی نسلی است که توانایی حمل رسالت الهی را دارند [...] اگر گذشته شدن امام حسین علیه السلام واقعه ای بسیار عظیم است، هدفش نیز به همان اندازه عظیم است؛ که همان برپایی دولت بزرگ (لا اله الا الله) بر روی زمین، دولت عدل الهی به رهبری ابن الحسن علیه السلام امام مهدی منتظر است.

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پایه پژوهش

فهرست

- ۳.....راहत ادامه دارد.....
- ۴.....منیت، دشمن حقیقی امام حسین علیه السلام.....
- ۷.....چگونگی اعجاز قرآن.....
- ۱۱.....آیا سنگواره ها تنها دلایل تأییدکننده نظریه تکامل هستند؟!.....
- ۱۳.....پناه بردن به خداوند نوعی ادب است.....
- ۱۶.....داستان های فرستادگان، عبرتی برای آیندگان.....
- ۱۸.....تفاوت میان روایات ائمه و روایات مهدیین ناشی از چیست؟.....
- ۲۰.....حل جدول شماره دو.....
- ۲۱.....احکام و شعائر حسینی.....
- ۲۳.....هم پیمان با حسین زمان علیه السلام.....



هفته نامه زمان ظهور

شماره ۱۰۴، جمعه ۱۵ مرداد ۱۴۰۰، ۲۷
ذوالحجه ۱۴۴۲، ۶ آگوست ۲۰۲۱
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه های ارتباطی:
www.zamanezohoor.com



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
والآله الطيبين
الطاهرين

راحت ادامه دارد...

گزیده‌ای از بیانات سید احمدالحسن رحمته الله در گروه «الدعوة المهدویة»:

«سلام و درود بر عابد عارف عالم سید حسن حمامی در مقامی که او [هم‌اکنون] در آن است. سید حسن حمامی، دارای برتری و فضیلت زیاد و بسیار بزرگی است، و نسل‌های آینده حتماً باید فضیلت این مرد الهی و عابد و عارف را شناخته و بشناسانند. این دلیرمرد بزرگوار و شجاع و مزین به اخلاق والا، در اثر دستگیری‌های پی‌درپی، اذیت و سختی زیادی دید؛ آن هم از سوی پست‌ترین و فرومایه‌ترین افراد. خدا رحمت کند ابامرتضی، من و تو به پایان راه رسیدیم، ولی تو زودتر راحت شدی. سلام خداوند بر تو در روزی که به دنیا آمدی و روزی که خداوند تو را به سوی خودش باز پس گرفت و روزی که زنده مبعوث می‌شوی. گواهی و شهادت می‌دهم که تو همراه با انبیا و مرسلین و صدیقین هستی و آن‌ها بهترین رفیق هستند. از خدا می‌خواهم که تو را با اولیای طاهرینش محمد و آل محمد صلوات الله علیهم مبعوث گرداند، او [ولی و] سرپرست من و سرپرست صالحان است.» ۲۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ ق

خداوند، شهادت می‌دهیم که سید پاک و مقدس ما حمامی، حامی حقیقی اسلام و عالمی باعمل بود که مجاهدانه در زمانی که یاوران حق اندک و دشمنان آن بسیار بود، فرستاده بر حقت را نصرت بخشید.

خداوند، گواهی می‌دهیم که ابومرتضی بر منصب دنیا پشت کرده، همراه حق ایستاد و از سوی نظام طاغوتی صدام و دیگر جنود شیطان، متحمل آزار و شکنجه‌های فراوان شد؛ پس پیمان را بر او تمام کن و مقام عظیم او را اعظم بگردان. و همانا خداوند اجر نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.

اینک ای سید شهید و عالم با اخلاق، با قلبی آکنده از مصیبت با تو وداع می‌کنیم. آگاه باش که مرگ نابهنگام تو، دل‌های غفلت‌زده ما را زنده و بیدار می‌کند؛ پس به تأسی از تو، بار دیگر با مولایمان سید احمدالحسن (خداوند در زمین تمکینش دهد) و مکتب و نمایندگان شریفش که مصداق قرای ظاهره و سنگربانان دین الهی هستند تجدید بیعت کرده و گام‌هایمان را در مسیر یاری آل محمد رحمته الله محکم‌تر از قبل برمی‌داریم.

راحت ادامه دارد...

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته
هفته‌نامه زمان ظهور

سلام علیکم ورحمة الله و برکاته

خبر درگذشت عالم عامل جلیل‌القدر و مسئول مکتب نجف، مرحوم سید حسن حمامی عزیز چنان سنگین و جان‌سوز بود که به دشواری به باور می‌نشیند؛ لیکن در برابر تقدیر خداوند سبحان چاره‌ای جز تسلیم و رضا نیست.

قال الله تعالی:

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾

(هرکسی مرگ را می‌چشد؛ و بدون تردید روز قیامت پاداش‌هایتان به‌طور کامل به شما داده می‌شود؛ پس هرکه را از آتش دور سازند و به بهشت درآورند مسلماً کامیاب شده است؛ و زندگی این دنیا جز کالای فریبنده نیست.) [آل عمران، ۱۸۵]

این ضایعه عظیم را به محضر شریف امام عصر ارواحنا له الفداء و فرزند و فرستاده‌اش امام احمدالحسن رحمته الله و جامعه مؤمنین در ایران و سراسر زمین تسلیت عرض نموده و از خداوند منان برای آن عالم فقید، علو درجات و رحمت واسعه را مسئلت می‌نماییم.





اسوهای کامل برای تبلیغ

منیت، دشمن حقیقی امام حسین علیه السلام

طور که در قرآن کریم و از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در نکوهش آن دسته از یهود آمده است که از علمای خود در معصیت خدا فرمان بردند و به این ترتیب آن ها را عبادت کردند. (۱)
۲- شرک پنهان: که ریا با تمام اقسامش بخشی از آن است. البته توجه به خلق برای برآورده شدن حاجات و نیازها بدون توجه به خدای سبحان قاضی الحاجات جزو آن نیست.

«الَّذِي يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ، وَمَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ تُحْتَنَنَّا مِنْهُ وَرَحْمَةً: خدایی که به درخواست کننده اش عطا می کند و به کسی که از او نخواهد عطا می کند از روی نعمت بخشی و مهرورزی.»

بلکه این مورد یعنی توجه به خلق بدون توجه به خدای سبحان کفر به خداوند است و متأسفانه این وضعیت بین مردم رایج است و جریان دارد. توجه به مردم برای برآورده شدن نیازها، در کنار توجه به خداوند، از جمله این نوع شرک محسوب می شود. حق تعالی می فرماید:

﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾ (۲) (و بیشترشان به خدا ایمان نیاورند مگر با شرک).

حق این است که بنده در تمام احتیاجات خود، رو به سوی خدای سبحان کند و بندگان را صرفاً وسیله و ابزاری در دست خداوند به شمار آورد که خدا به هر نحو و در

انقلاب سیدالشهدا علیه السلام از روز عرفه آغاز شد؛ آنجا که در دعای عرفه می فرماید:

«ظَهَرَنِي مِنْ شَكِّي وَشَرِّكَ: مرا از شک و شرکم پاک فرما.»
معنای عظیم این سخن چیست؟ و چرا مدعیان علم در کنار عدم پاسخ مناسب سعی داشتند این سخن امام حسین علیه السلام را ساختگی جلوه دهند؟

جنگ علیه خود، حقیقتی که احمد الحسن یمانی علیه السلام آن را رمزگشایی کرد.

وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام، پرده از حقیقت سخن امام حسین علیه السلام برمی دارد. او در پاسخ علت این سخن امام حسین علیه السلام می فرماید:
شرک انواعی دارد؛ از جمله:

۱- شرک ظاهری: این شرک نیز اقسامی دارد؛ از جمله:
شرک آشکار در عقیده مانند پرستش بت ها و پرستش علمای بی عمل گمراه؛ بت هایی که زبان دارند؛ همان

سید احمد الحسن علیه السلام:

خلیفه خدا با طلبیدن حاکمیت الهی، اراده خدا را جاری می کند؛ در حالی که مطالبه حاکمیت مردم به وسیله غیر از خلیفه خدا، خلاف جهت اراده خداست.

(پاسخ های روشنگرانه، جلد ۳، سؤال ۲۳۴)



چیزی جز خدای واحد قهار باقی نمی ماند؛ از همین رو آن حضرت علیه السلام می فرماید:

«پروردگارا! هیچ کس استحقاق وجود را ندارد جز تو، و وجود من گناهی عظیم است که راهی برای بخشودنش نیست، مگر با فنای من و با بقای وجود پاک تو.»
این شک و شرک، بالقوه است نه بالفعل؛ یعنی منشأ آن موجود است نه اینکه بالفعل موجود باشد؛
یعنی قابلیت به فعلیت رسیدن در آن وجود دارد؛ ولی در عمل محقق نشده است؛ به این معنا که مصداق خارجی ندارد.

در فطرت انسان نقطه ای تاریک وجود دارد که همان شائبه عدم و ظلمت است. این نقطه تاریک، محل اتصال پوزه شیطان است که از طریق آن انسان را وسوسه می کند. (۴)

هرکجا که اراده فرماید برای برآورده شدن حاجتش آن ها را به کار می گیرد. اگر بنده به خدا توجه کند، تعامل با خلق زبانی به او نمی رساند.

۳- شرک نفسانی:

که مخفی ترین نوع شرک است و همان «منیت» است، که مخلوق را از آن گریزی نیست. این «منیت» او را با ظلمت و عدمی که بدون وجود آن، فقط خدای سبحان و متعال می ماند و لا غیر، درهم می آمیزد؛ از همین رو به این معنا، هر بنده ای از بندگان خدا مشرک است.

امام حسین علیه السلام این معنای شرک و نیز آنچه از شک به همراه دارد را قصد کرده است. امام حسین علیه السلام فتح المبین را درخواست می کند و از بین رفتن شائبه عدم و ظلمت از صفحه وجودش را؛ عدمی که بدون آن



سید احمد الحسن علیه السلام:

خدا راضی نیست آن کس را که به امامت منصوب کرده است، از حاکمیت انصراف دهد یا جایگاه آن را برای هدایت مردم به صراط مستقیم، خالی بگذارد؛ پس چگونه فرض می کنند حسین علیه السلام خواهان حاکمیت الله و حکومت نبود؟

(پاسخ های روشنگرانه، جلد ۳، سؤال ۲۳۴)

پایان سخن

روشنگری بی نظیر احمد الحسن (علیه السلام) درباره شائبه وجود خلق در مقابل وجود خداوند، پاسخ بسیاری از سؤالات فلسفی لاینحل را داد که پرداختن به آن در این مقدار نمی گنجد.

احمد الحسن (علیه السلام) نشان داد:

مرز بین حسین (علیه السلام) و یزید زمان شدن به میزان پرداختن و توجه به «من» است؛

امام حسین (علیه السلام) بزرگترین دشمن خود را «منیت» می دانست؛ به حدی که حتی وجود خود (که گریزی از آن نیست) را در مقابل وجود خداوند گناه تصور می کرد! و در مقابل، یزیدی که به حدی که به «من» توجه کرده بود که دیگر حتی کوچکترین باریکه نوری از خداوند در وجودش باقی نمانده بود.

انقلاب تبلیغی امام حسین (علیه السلام)

امام حسین (علیه السلام) با اخلاص و مقدم کردن خواست و اراده خداوند در تبلیغ دین حق، چنان صحنه ای بر پیکره تاریخ خلق کرد که تمامی خلائق متحیر و حیران عمل او شدند! امام حسین (علیه السلام) دشمن حقیقی خود را «منیت» می دانست که با نابود کردن آن با خون خود و اهل بیتش تجلی خداوند (هو) در زمین شد؛ و یزید (لع) که تجلی تام منیت در آن زمان بود با تمام قدرت و نیروی مادی و پیروزی ظاهری خود نتوانست حقیقت را نابود کند؛ امام حسین (علیه السلام) نشان داد اخلاص در تبلیغ می تواند انقلابی عظیم برپا کند، حتی اگر پیروان حق بسیار محدود و کم باشد!

سید احمد الحسن (علیه السلام) در کتاب سرگردانی یا راه به سوی خدا می فرماید:

نهضت امام حسین (علیه السلام) نهضت محمدی اسلامی اصیل است که هدف آن اصلاح فرزندان این امت و آماده سازی نسلی است که توانایی حمل رسالت الهی را دارند. نسلی ربّانی که خداوند را عبادت می کنند و هیچ دستوری را جز دستور قرآن قبول ندارند و حاکمی را جز معصومین (علیهم السلام) که از طرف خداوند تعیین شده یا نایب آن ها را نمی پذیرند. اگر کشته شدن امام حسین (علیه السلام) واقعه ای بسیار عظیم است، هدفش نیز به همان اندازه عظیم است که همان برپایی دولت بزرگ (لا اله الا الله) بر روی زمین، دولت عدل الهی به رهبری ابن الحسن (علیه السلام) امام مهدی منتظر است. (۵)

پاورقی:

۱. مانند این سخن خداوند متعال:

﴿اتَّخَذُوا أَوْلِيَاءَهُمْ وَرَهْبَانَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِمَّنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (آنان علما و

راهبانان را به جای الله به خدایی گرفتند). (توبه ۳۱)

۲. از ابوبصیر از اباعبدالله (ع) روایت شده است: به ایشان عرض کردم: ﴿اتَّخَذُوا أَوْلِيَاءَهُمْ وَرَهْبَانَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِمَّنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (آنان علما و

و راهبانان را به جای الله به خدایی گرفتند)؟

فرمود: «به خدا سوگند آن ها را به عبادت خویشتن دعوت نکردند؛ چرا که اگر می کردند، مردم اجابتشان نمی نمودند؛ ولی حلال را بر آنان حرام کردند و حرام را حلال و به این صورت، آن ها را پرستیدند؛ به گونه ای که خود احساس نمی کردند». کافی: ج ۱ ص ۷۰ حدیث ۱ و نیز حدیث ۳.

۳. یوسف: ۱۰۶.

۴. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «شیطان به قلب فرزند آدم می چسبد. پوزه ای مانند پوزه سگ دارد که اگر بنده ذکر خداوند عزوجل را بگوید، به عقب برمی گردد». بحار الانوار: ج ۷۶ ص ۴۹.

۵- سرگردانی یا راه به سوی خداوند، ص ۸۱.



سید احمد الحسن (علیه السلام):

همه خلق با حاکمیت الله امتحان می شوند.

(پاسخ های روشنگرانه، جلد ۳، سؤال ۲۳۴)



چگونگی اعجاز قرآن

تحقیقی مقارن در ارتباط با اعجاز قرآن

می‌گوییم، آیا تمامی قرآن به شکل کلی معجزه است؟ یا اینکه هریک از سوره‌ها یا هریک از آیات به تنهایی نیز معجزه هستند؟! ۴. آیا اعجاز قرآن و درک آن تنها به

عرب‌زبانان اختصاص دارد یا سایر مردم نیز قادر به فهم و درک آن هستند؟ ۵. آیا اعجاز قرآن و درک آن تنها به

انسان‌ها اختصاص دارد یا اجنه و ملائکه نیز قادر به فهم و درک آن هستند؟ ۶. ترجمه تا چه میزان در اعجاز قرآن

مؤثر است؟ به عبارت بهتر، در صورت ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر، آیا همچنان اعجاز آن قابل درک خواهد بود؟

اکثر علمای اسلامی چه در مذهب شیعه و چه اهل سنت اعجاز قرآن را به نظم و فصاحت و بلاغت آن گره زده‌اند؛ البته در رابطه با اعجاز قرآن در میان علما حدود ۳۰ قول وجود دارد، اما اکثریت آن‌ها اعجاز قرآن را اعجازی لفظی و برخاسته از جاذبه‌های زبانی آن نظیر نظم و فصاحت و بلاغت می‌دانند. (برای ملاحظه اقوال علما در رابطه با وجه اعجاز قرآن مراجعه کنید به: علاء‌السالم، اعجاز القرآن، ص ۲۰ تا ۲۵)

طبیعتاً وقتی اعجاز قرآن را با جاذبه‌های زبانی نظیر فصاحت و

حقانیت مدعی راستین می‌شود؛ **معجزه ملکوتی و غیبی**؛ یعنی نشانه‌های غیبی که بر حقانیت مدعی راستین دلالت دارد؛ مانند رؤیای صادق؛

معجزه مادی نیز معجزه‌ای است که برای مدعی راستین، آشکارکننده قدرتی مادی و ظاهری است. لازم به ذکر است تمامی فرستادگان خداوند معجزاتی به همراه دارند، که این می‌تواند معجزه علمی، مادی یا ملکوتی (مثل رؤیای صادق) باشد.

اعجاز قرآن کریم

علمای اسلام، اعجاز قرآن را شبیه سایر معجزات رسول خدا و خلفای دیگر، تعریف کرده‌اند؛ یعنی کاری که خارق‌العاده باشد. (ر.ک: علاء‌السالم، اعجاز القرآن ص ۷ به نقل از: خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۳. طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۷۳. سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲ ص ۳۱۱)

طبیعتاً وقتی از اعجاز قرآن سخن می‌گوییم، سؤالاتی به ذهن می‌رسد: ۱. وجه اعجاز قرآن چیست؟ یا به بیان ساده‌تر: اعجاز قرآن در کدام ویژگی‌اش ظهور و بروز می‌یابد؟

۲. اعجاز قرآن با الفاظ قرآن در ارتباط است یا معانی آن؟

۳. وقتی از اعجاز قرآن سخن

معجزه یعنی پدیده‌ای که وجه تمایز مدعیان راستین و مدعیان دروغین است؛

امام صادق علیه السلام در تعریف معجزه می‌فرماید:

«معجزه نشانه خداوند است که خداوند آن را تنها به پیامبران و فرستادگان و حجت‌های خود می‌دهد، تا به وسیله آن، راست‌گویی مدعیان راستین از دروغ‌گویی مدعیان دروغین شناخته شود.» علل الشرائع ج ۱، ص ۱۲۲

و سید احمد الحسن علیه السلام در تعریف معجزه می‌نویسد:

«معجزه، آیه و نشانه‌ای از سوی خداست که اثبات می‌کند کسی که برای وی معجزه پدیدار شده یکی از اولیای الهی بوده و خداوند از وی دفاع و او را تأیید می‌کند.»

(پیام صفحه فیس‌بوک سید احمد الحسن علیه السلام، ۱۱/۳/۲۰۱۳) بنابراین عنصر محوری معجزه ایجاد تفاوت بین مدعیان راستین و مدعیان دروغین، و اثبات حقانیت مدعیان راستین است و به دنبال آن: نمی‌توان معجزه را در معجزه مادی منحصر دانست؛ بلکه آیات و معجزات، انواع مختلفی دارند؛ مانند:

معجزه علمی؛ یعنی علمی که دیگران از آوردن آن عاجز و ناتوان هستند و همین موجب اثبات

سید احمد الحسن علیه السلام:

در هر زمان، مردم به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی مانند ابلیس‌اند که «من» یا «ما» می‌گویند و گروهی مانند فرشتگان در سجده‌شان هستند که «او» می‌گویند.

(پاسخ‌های روشن‌گرانه، جلد ۳، سؤال ۲۳۴)



ص ۴۳-۴۷) آری، قرآن دارای مرتبه والایی از فصاحت و بلاغت است، اما سخن بر سر کیفیت اعجاز قرآن است؛

۶. همچنین از این هم می‌گذریم که خود قرآن کریم به صراحت، فصاحت را در خلافت و رسالت بی‌تأثیر دانسته و هارون را از موسی فصیح‌تر معرفی می‌کند. (ر.ک: سوره قصص، آیه ۳۴)

و علاء‌السالم، اعجاز القرآن، ص ۴۷) از سویی دیگر، هنگامی که به خود قرآن مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم قرآن کریم خود را کتابی برای تمامی مردم معرفی می‌کند که دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. کتابی که از طریق وحی الهی نازل

عرب‌زبانان، بلکه تنها عرب‌زبانانی که اهل ادبیات و علوم و فنون ادبی هستند؛

۴. همچنین اگر اعجاز قرآن را یک اعجاز لفظی و زبانی بدانیم، در این صورت این اعجاز برای اجنه و ملائکه قابل‌درک نخواهد بود؛ زیرا زبان صرفاً یک پدیده دنیوی و صرفاً برای ارتباط انسان‌ها در این دنیا است؛

۵. از این نیز می‌گذریم که اساساً معیار و ملاک مشخصی برای فصاحت و بلاغت اعجاز‌گونه وجود ندارد و دقیقاً نمی‌توان معین کرد چه کلامی به لحاظ فصاحت و بلاغت معجزه است و چه کلامی فاقد اعجاز است؛ (ر.ک: علاء‌السالم، اعجاز القرآن،

بلاغت مرتبط بدانیم، در این صورت: ۱. اعجاز قرآن تنها در متن عربی آن ظهور و بروز خواهد داشت، نه در ترجمه‌های آن به سایر زبان‌ها؛

۲. باید به این سؤال پاسخ دهیم که چه مقدار از قرآن معجزه است؟ تمام قرآن؟ یک سوره؟ یک آیه؟ یا برخی از سوره‌ها و آیات؟ چنان‌که در میان علما نیز در اینکه چه میزان از قرآن دارای اعجاز است اختلاف وجود دارد؛ آیا تمام قرآن معجزه است یا برخی از آیات یا سوره‌ها؟ (ر.ک: علاء‌السالم، اعجاز القرآن، ص ۱۰-۱۲)

۳. اعجاز قرآن نه برای همه مردم، بلکه تنها برای عرب‌زبانان قابل‌درک خواهد بود، آن هم نه تمامی



سید احمد الحسن (علیه السلام):

ای خردمندان، ای عاقلان، تدبر کنید... حاکمیت مردم و یزید یکی است... حاکمیت مردم و یزید یکی است و همچنین حاکمیت خدا و حسین (علیه السلام) یکی است.

(خطبه محرم ۱۴۳۲ق)

حتماً برای خواننده تدبرکننده به یک روشی آرامش حاصل خواهد شد:

- یا خواب می بیند؛
- یا قلبش نرم می شود؛
- یا مکاشفه می بیند؛
- یا نشانه هایی برای او حاصل می شود؛

هدف این است؛ نه اینکه به صورت تصادفی و بدون تدبر و اهمیت بخواند و آرامش پیدا کند؛ و همین طور ضرورتی ندارد آرامش بلافاصله با نرم شدن قلب برای قرآن صورت بگیرد.

به نقل از: علاء السالم، اعجاز القرآن، ص ۱۳۲-۱۳۳

بنابراین و بر اساس آنچه از سید احمد الحسن علیه السلام آموختیم، اعجاز قرآن کریم، تأثیر درونی و روحانی است؛ یعنی چنانچه قرائت قرآن با توجه و تدبر صورت گیرد، بر نفس و روح آدمی تأثیر می گذارد و این تأثیر با اموری نظیر: رقت و نرمی قلب، مشاهده رؤیا یا مکاشفه یا ظهور نشانه ای دیگر، جلوه گر می شود.

آنچه وجه ارائه شده توسط سید احمد الحسن علیه السلام را تأیید می کند این است که:

۱. این وجه با اوصافی که از قرآن خواندیم سازگاری دارد؛
۲. این وجه با تاریخ حیات رسول خدا و مطالب مختلفی که در رابطه با تأثیر قرآن بر روح و جان مردم نقل شده، سازگاری دارد (ر.ک: علاء السالم، اعجاز القرآن، ص ۱۳۴ به نقل از: الشفا بتعريف حقوق المصطفى، ج ۱، ص ۲۷۵)؛

آن ها گذاشت یا بعضی خواب دیدند یا نشانه ها و اشاره هایی برایشان به وجود آمد که باعث می شد ایمان بیآورند. اگر [صرفاً] گفته ای فصیح و بلیغ بود ایمان نمی آوردند؛ چون فصاحت و بلاغت موضوعی نسبی است و قواعدی وجود ندارد که بگوید اینجا مرزی هست که اگر از آن بگذری کلام، معجزه می شود؛ و برای همین می گفتند: محمد ساحر است و زنان و جوانان خود را از خواندن و شنیدن آن منع می کردند؛ چون برای بسیاری از آنان، یا این تأثیر روحی صورت می گرفت یا خواب می دیدند؛ و الآن هرکسی می تواند این را تجربه کند. و نیز می نویسد:

«من در کتابها [ی خودم] و در این کلام بیان کردم که قطعاً قرآن تأثیرات نفسانی و روحانی دارد، و برای همین ایشان را به ساحر توصیف می کردند؛ چون افرادی که قرآن می خواندند و افرادی که آن را می شنیدند خواب یا شبیه آن را می دیدند و سپس ایمان می آوردند.» و می نویسد:

«اگر با توجه به خداوند باشد و ترجمه هم صحیح باشد، اطمینان و آرامش برای او نیز حاصل خواهد شد، و چون شما عرب هستی اکیداً فهم شما عربی است و تمایل به عربی خواهید داشت.

اطمینان و آرامش با خواندن دو کلمه یا یک آیه بدون فهمیدن یا تدبر حاصل نخواهد شد. تنها با قرائت و تدبر است که حاصل می شود؛ و اگر قرآن از طرف خداوند نازل شده، پس

شده است (ر.ک: عنکبوت، ۴۵. شورا، ۵۲. ابراهیم، ۱. نحل، ۱۰۲)؛

۲. کتاب انذار و هدایت و ذکر (ر.ک: اعراف، ۲. اسراء، ۹. انعام، ۱۹)؛

۳. کتاب تدبر و تذکر (ر.ک: ص، ۲۹. نساء، ۸۲. محمد، ۲۴. قمر، ۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰)؛

۴. کتاب شفا و رحمت (ر.ک: اسراء، ۸۲. عنکبوت، ۵۱. نمل، ۷۷-۷۸. مزمل، ۲۰)؛

۵. کتاب اعتصام (پناه جستن) و حجاب است (ر.ک: اسراء، ۴۵. نحل، ۹۸)؛

۶. کتابی که موجب پندگیری و رقت قلب و نرمی دل هاست (ر.ک: زمر، ۲۳)؛

۷. همچنین بر اساس قرآن و نیز سیره و زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله، ایشان قوم خود را تذکر داده و قرآن را برایشان می خواند و سپس آن ها را به حال خود وامی گذاشت، نه اینکه آن ها را تحدی کند و به معارضه با قرآن و فصاحت و بلاغت آن فراخواند (ر.ک: عنکبوت، ۵۱. نمل، ۹۱-۹۲. زمر، ۴۱)؛

اما به راستی اعجاز قرآن در چیست و چگونه درک می شود؟

پاسخ این سؤال را از سید احمد الحسن علیه السلام می خوانیم؛ ایشان می نویسد:

«معجزه قرآنی برای کسانی که اولین بار [با قرآن] روبه رو شدند در تاریخ واضح است. رسول، قرآن یا برخی از آیات قرآن را آوردند و بر مردم پیرامون خود خواندند؛ هرکس [خواست] بشنود آن را شنید و تأثیر روحی بر

سید احمد الحسن علیه السلام:

به هیچ وجه ممکن نیست امام حسین علیه السلام را از قیام و هدف مبارکش جدا کنیم؛ و آن برپا کردن حاکمیت خدا بر روی زمین است.

(خطبه محرم ۱۴۳۲ق)



سوره جن، ۱-۲ و نیز روایاتی که آمده است در: حر عاملی، وسائل؛ الشیعة (آل البيت)، ج ۶ ص ۱۹۹. بخاری، صحیح بخاری، ج ۶ ص ۱۰۶؛

۶. تأثیر قرآن، از نوع تأثیری که شعر بر احساسات و عواطف انسان می گذارد نیست؛ بلکه تأثیری در نفس و روح انسان است که با هدایت و ارتقای معنوی انسان و نزدیکی او به خداوند ارتباط دارد، و به همین دلیل با رؤیا و مکاشفه صادقانه یا آیات و نشانه های دیگر همراه است که موجب رشد و کمال انسان می شود.

طبیعتاً طبق آنچه گفته شد، قرآن آیه و معجزه ای ملکوتی است. ان شاء الله در قسمت های بعد، سؤال و جواب هایی را از امام احمد الحسن (علیه السلام) در رابطه با اعجاز قرآن خواهیم خواند که برای اولین بار به زبان فارسی منتشر می شود.

ادامه دارد...

۱. اعجاز قرآن شامل جای جای قرآن می شود، نه اینکه صرفاً در تمام قرآن یا فقط در برخی از سوره ها یا فقط در یک سوره یا یک آیه، قابل درک باشد؛
۲. ترجمه قرآن، از اعجاز قرآن نمی گاهد و اعجاز قرآن در ترجمه قرآن نیز قابل درک خواهد بود، به شرط صحت ترجمه؛

۳. فهم و درک اعجاز قرآن تنها به یک گروه و زبان خاص اختصاص ندارد؛ بلکه برای تمامی مردم قابل تجربه و دسترسی است؛

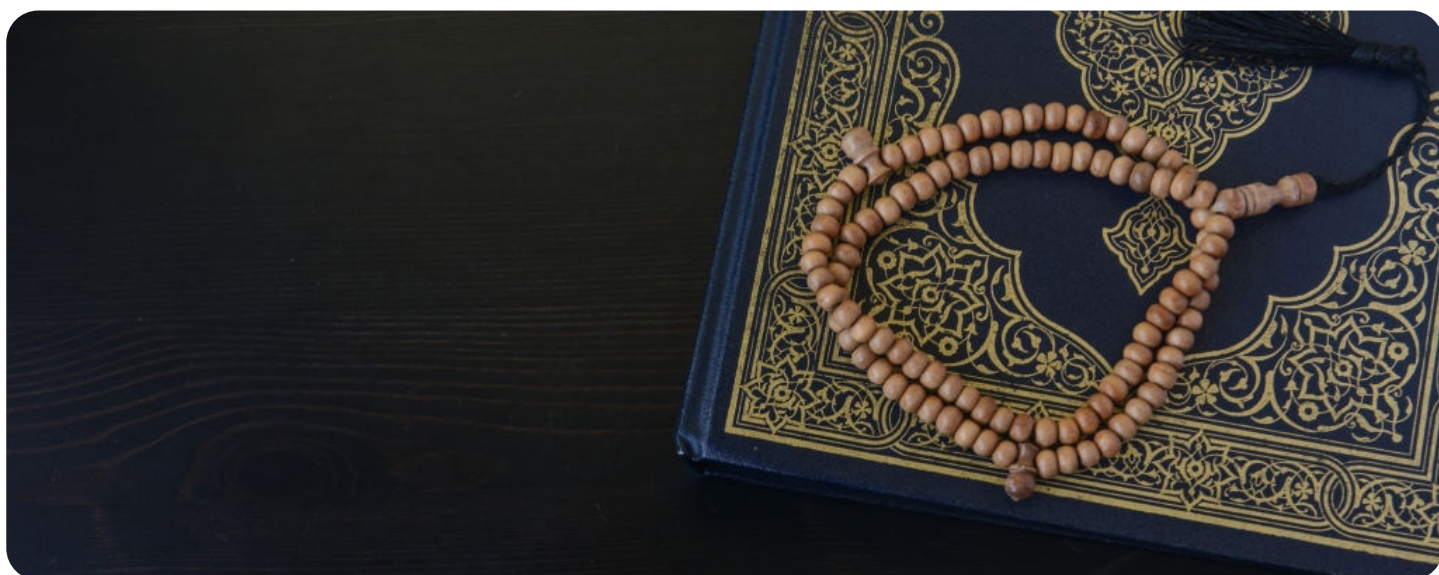
۴. وقتی قرآن را دارای یک حقیقت آسمانی بدانیم، در این صورت نه تنها اعجاز قرآن برای زبان های مختلف قابل درک است، بلکه حتی فردی که امی و بی سواد باشد نیز اعجاز قرآن را درک می کند (مانند جریان کربلایی کاظم، پیرمرد بی سواد که اعجاز قرآن را دریافت)؛

۵. فهم و درک اعجاز قرآن تنها به انسان ها اختصاص ندارد؛ بلکه برای ملائکه و اجنه نیز قابل درک است (ر.ک:

۳. همچنین این وجه با این سازگاری دارد که قرآن در عوالم بالا دارای ماهیت و حقیقت است و قرآنی که در بین دستان ماست، صرفاً نزول و بیان آن حقیقت به زبان انسان هاست که از طریق وحی بر ظرف وجود پیامبر نازل شده است؛ در نتیجه این حقیقت برای همه و با هر زبان معجزه است؛
۴. این وجه، علت اینکه مشرکان، مردم را از شنیدن یا تلاوت قرآن نهی می کردند، به روشنی تبیین می کند (ر.ک: فصلت، ۲۶)؛

۵. این وجه به روشنی تبیین می کند که چرا مشرکین و مخالفان دعوت رسول خدا، ایشان را ساحر و جادوگر می خواندند (ر.ک: ص، ۱-۴. انعام، ۷. سبأ، ۴۳. احقاف، ۷. مدثر، ۲۴؛ و نیز روایتی که در تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۹۳-۳۹۴ نقل شده است)؛

همچنین باید گفت اشکالاتی که به اقوال علما درباره وجه اعجاز قرآن وارد بود، در این وجه منتفی است؛ یعنی:



سید احمد الحسن (علیه السلام):

همه ادیان الهی به حاکمیت خدای سبحان و متعال اقرار دارند؛ اما مردم با این حاکمیت به مقابله برمی خیزند.

(حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم، ص ۲۹)

آیا سنگواره ها تنها دلایل تأیید کننده نظریه تکامل هستند؟!

زمین شناسی تاریخی، کالبدشناسی و انسان شناسی تنها با نگریستن به آن ها، نتایجی را به دست آورند، به طوری که افراد جاهل آن ها را به چالش بکشاند؛ بلکه امروزه می توان با انجام بررسی و آزمایش های دقیق، عمر زمین را با دقت بالا به دست آورد، و با انجام بررسی های ژنتیکی بر روی سنگواره هایی که قدمت آن ها به ده ها هزار سال پیش برمی گردد، می توان عمر دقیق آن ها را تعیین کرد.» [۱]

بنابراین دلایل دیگری نیز برای تأیید و اثبات نظریه تکامل وجود دارند که نه تنها ضعیف تر از سنگواره ها نیستند، بلکه دلالتشان بر تکامل قوی تر و خدشه ناپذیرتر است. اما به راستی آیا با مشاهده سیر تطور و دگرگونی فسیل ها از میلیون ها سال پیش تاکنون، می توان توضیح منطقی دیگری جز نظریه تکامل برای آن ها ارائه داد؟

سید احمد الحسن رحمته الله علیه در این باره می نویسد:

«ما لایه های زمین را که برخی بر روی برخی دیگر قرار دارد، در اختیار داریم. آن ها را با روش های بسیار دقیق علمی که خطاناپذیر است کاوش کرده ایم و مشخص شده لایه های زیرین قدیمی تر است و لایه های بالایی جدیدترند. تفاوت سنّ این دو گاهی اوقات به صدها میلیون سال می رسد. همچنین دریافته ایم که لایه های قدیمی تر دربرگیرنده موجودات ابتدایی هستند و هرچه به سمت زمان حال بیاییم، در لایه ها موجودات

پیشرفته تر و کامل تری دیده می شود؛ بنابراین نمی توان گفت که تمام آفرینش یک باره و یک جا اتفاق افتاده است؛ زیرا برخی از این موجودات صدها میلیون سال پس از برخی موجودات دیگر ظاهر شده اند؛ بنابراین با استناد به داده های دقیق علمی چاره ای نیست جز اینکه بگوییم برخی از این موجودات پس از برخی دیگر

بسیاری از منتقدین نظریه تکامل که عمدتاً رجال دینی هستند در این پندار به سر می برند که تنها دلیل تأیید کننده تکامل، سنگواره ها یا همان فسیل ها هستند و می گویند می شود سیر تطور این سنگواره ها را به گونه ای دیگر تفسیر کرد که موافق ایده اساطیری خلقت دفعی باشد!

سید احمد الحسن رحمته الله علیه در پاسخ به حصر دلایل مؤید تکامل حیات به سنگواره ها چنین می نویسد:

«سنگواره ها موضوع گسترده و عمیقی است، که قدمت آن حداقل به صدها میلیون سال پیش بازمی گردد. در سنگواره ها دلایلی بر تأیید نظریه تکامل به طور عام و تکامل جسم انسان به طور خاص نهفته است. بنا بر علم زمین شناسی تاریخی، قدمت زمین به صورت ثبت شده و مورد تأیید علم، به ۴۶۰۰ میلیون سال پیش می رسد. حداقل اینکه این عمر با دقت ثبت شده و با توجه به صدها میلیون سال اخیر که حیات بر روی زمین تشکیل شده است دارای جزئیات قابل قبولی است؛ چرا که حفظ سنگواره های آلی در این دوره امکان پذیر شده است. این اسناد علمی زمین شناسی تاریخی، به طور روشن، بر تکامل حیات و موجودات زنده روی زمین تأکید می کند. به طور کلی تاریخ زمین شناسی و سنگواره ها، یکی از روش های اثبات نظریه تکامل به شمار می رود. با این حال برخی منتقدان نظریه تکامل چنین می پندارند که این ها، تنها دلیل قاطع بر تأیید این نظریه است. که این خود ناشی از جهل ایشان است. در حالی که این ها، تنها قسمتی از سلسله استدلال هایی است که بر صحت تکامل ارائه می شود؛ و حتی چه بسا اگر آن را با مباحث ژنتیک و کالبدشناسی تطبیقی مقایسه کنیم، دیگر قوی ترین برهان و استدلال تلقی نخواهد شد. علاوه بر این، سنگواره ها چیزهایی نیستند که کارشناسان

سید احمد الحسن رحمته الله علیه:

بیشتر اوقات جز عده بسیار اندکی مثل قوم موسی رحمته الله علیه در زمان طالوت یا مسلمانان زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله به حاکمیت خدا اذعان ندارند.

(حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم، ص ۲۹)

داده که گویی برخی از برخی دیگر تکامل یافته ترند. آیا برای این است که بشر را فریب دهد؟ خداوند سبحان از چنین نسبتی به دور است! بنابراین، مسئله ساده است: اینکه برخی از برخی دیگر تکامل یافته اند.» [۲]

پ.ن:

- ۱- احمدالحسن، کتاب توهّم بی‌خدایی، ترجمه فارسی، ص ۹۷ و ۹۸.
- ۲- احمدالحسن، کتاب توهّم بی‌خدایی، ترجمه فارسی، ص ۶۳.

به وجود آمده‌اند، و ازدیاد و پیچیدگی در اجسام صدها میلیون سال پس از سادگی پیشین آن‌ها، حاصل شده است.

سپس با بررسی، تاریخ‌گذاری و مقایسه سنگواره‌ها که بر اساس علوم دقیقی همچون کالبدشناسی تطبیقی و با استفاده از جدیدترین ابزار کاوش صورت گرفته، به استناد دلایل علمی و پژوهشی مشخص شده است که برخی از آن‌ها نسل‌های پیشرفته برخی دیگرند.

پس اکنون هرکس نتیجه این بررسی‌ها و تحقیقات علمی را نپذیرد، خواهد گفت: این‌ها بی‌درنگ و ناگهانی خلق شده‌اند؛ ولی باید توضیح دهد که چرا خدا آن‌ها را در دوره‌های مختلف آفریده و آن‌ها را به گونه‌ای قرار



سید احمد الحسن رحمته الله علیه:

آیا یهودیان به ایلیا می‌گویند: برگرد چون ما انتخابات و دموکراسی داریم و این از انتخاب الهی برتر و والاتر است؟

(حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم، ص ۳۷)



راهکار مقابله با شیطان

پناه بردن به خداوند نوعی ادب است

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «توکل بر خداوند، مایه نجات از هر بدی و محفوظ بودن از هر دشمنی است.» بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۷۹، ح ۵۶ به‌راستی که انسان باید قلب خود را نیز از امراض درونی، پاک، و نفس خود را مزگی و مصفی نماید، تا بتواند از امکانات و استعدادهای خدادادی به نحو احسن و در راستای محقق‌ساختن مسئولیتش در زمین که همان کمال مدنظر است استفاده کند.

اما در راه رسیدن به کمال موانعی وجود دارند که باید بر آنان غالب شد؛ و مانع اصلی به کمال رسیدن انسان، نفّس انسان است.

به‌گونه‌ای که امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «هرکه با نفس خود در راه اطاعت از خدا و دوری از گناهان پیکار کند، جهاد چنین فردی نزد خداوند سبحان، به‌منزله شهید است.» (غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۲۶)

به‌راستی که باید متوجه باشیم که شیطان به‌منظور تغییر در اعتقادات، ارزش‌های اخلاقی و الگوهای رفتاری انسان و در نهایت، نافرمانی او از دستورهای خداوند، از طریق فریب، وسوسه، تزیین و مانند آن وارد عمل می‌شود؛ پس انسان هنگام رویارویی با خطرهای می‌کوشد تا با پناه‌جستن به یک قدرت برتر، به آرامش و

مانند آن، آدمیان را به‌سوی گمراهی سوق می‌دهد.

مولایمان سید احمدالحسن علیه السلام در کتاب جهاد درب بهشت می‌فرمایند: **قلب انسان بین دو انگشت از انگشتان رحمان قرار دارد؛ شیطان یک انگشت و فرشته انگشتی دیگر، یا تاریکی یک انگشت و نور انگشتی دیگر. قلب بین دو انگشت است، و جهاد با نفس، سعی و تلاش برای رسیدن به خداوند با فرشته، نور و عقل، و ترک گفتن شیطان، ظلمت و جهل است.**

و از آنجا که هدف و غرض شیطان این است که انسان را در آتش سرنگون و تباه کند و او را هنگامی که خالق رؤوف رحیم بزرگوار را معصیت می‌کند، در یک رویارویی خفت‌بار قرار دهد، ناگزیر باید سلاحی داشته باشد تا با استفاده از آن برای به‌جریان‌انداختن آنچه مورد نظرش است، این هدف و غرض را جامه عمل ببوشاند.

این سلاح از آشکار تا نهان، و از ضعف تا قوّت برای هرکس برحسب شرایط درجه‌بندی می‌شود؛ پس برای به‌گمراهی‌کشاندن هر صنفی سلاحی درخور وجود دارد.

اما اگر انسان مؤمن و باتقوا به خدا پناهنده شود و بر او توکل نماید، از شرّ شیطان ایمن خواهد بود.

انسان همواره در معرض خطر است. خطراتی که او را به شقاوت ابدی می‌کشاند. مشکل اصلی انسان این است که نمی‌داند این خطرات از کجا، چگونه، نسبت به چه چیزی، چه زمانی، توسط چه کسی یا چه چیزی و مانند آن انجام می‌گیرد.

دشمنی‌کردن در قالب دوستی و خیانت‌کردن با ابراز خیرخواهی، موفقیت بیشتری برای دشمنان به ارمغان می‌آورد، بی‌آنکه هزینه مالی و جانی در این مسیر صرف شود. پس انسان بایستی بهوش باشد و خیال نکند موانع ساده در مسیر می‌آیند. خیر! بلکه برعکس، موانع در لباس‌های متفاوت ظاهر می‌شوند و چه بسا در ابتدا کسی به آن توجهی نمی‌کند یا او را به سخره و بازی می‌گیرد؛ اما به‌تدریج جای خود را پیدا می‌کنند و بزرگ می‌شوند و به هدفشان که نابودی خاک و حیات است نزدیک و نزدیک‌تر می‌شوند. نخستین موجودی که از این شیوه بهره جست، ابلیس بود. دشمنی او از روی حسادت نسبت به مقام والای آدم سرچشمه می‌گیرد. گرچه شیطان بر انسان سلطه ندارد، اما از ابزارهایی مانند نفس امّاره و اختیار انسان استفاده کرده است و با شیوه‌هایی همچون وسوسه، وعده‌های دروغ، تفرقه‌افکنی، اغفال، فسادانگیزی و

سید احمد الحسن علیه السلام:

آیا مسیحیان به عیسی علیه السلام می‌گویند: ای کسی که بر الاغ سوار می‌شوی و ای کسی که لباس‌های پشمین می‌پوشی، کم می‌خوری و در دنیا زاهد و بی‌رغبتی، برگرد! زیرا ما رؤسای برگزیده‌ای داریم که از تمام دنیا چه حلال و چه حرامش بهره می‌برند و آن‌ها با خواست‌ها و تمایلات نفسانی ما موافق و سازگار هستند؟! (حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم، ص ۳۷)



زبان نیست؛ بلکه توجه داشتن به خداوند با تمام وجود است. یاد خدا، غذای روح و جان انسان و موجب آرامش آن است: ﴿الْأَبْذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد، ۲۸).

مولایمان سید احمد الحسن (علیه السلام) این گونه می فرماید:

«صبح هنگام به خدا پناه برید و شب هنگام را با پناه آوردن به پناهگاه خدا شروع کنید. به آن کسی که همه چیز را پدید آورده و آفرینش هر چیزی را به او ارزانی داشته تمسک جوی و هر آنچه خداوند سبحان تو را به آن آگاه می سازد پذیرا باش تا هر چیزی را از او بدانی و هلاک و گمراه نشوی، حتی اگر تمام اهل زمین جملگی هلاک و گمراه شوند.» (در محضر عبد صالح، ج ۱)

یک نوع ذکر پروردگار، دعا و تضرع آهسته و درون نفس است؛ بنابراین، با ذکر، تضرع و دعا می توان از خداوند استمداد جست و از شرّ وسوسه های شیطانی رهایی یافت.

حتی حجت های الهی دعا و توسل به درگاه الهی می کردند.

رسول الله ﷺ در مناجات خود می فرمودند: بار خدایا! به تو پناه می برم از بخل و به تو پناه می برم از بُردلی و به تو پناه می برم از اینکه به فروترین روزهای زندگی (پیری و فرتوتی) بازگردانده شوم، و به تو پناه می برم از فتنه گری دنیا و به تو پناه می برم از عذاب قبر. (سنن النسائی: ۲۵۶/۸) همچنین بخشی از دعای علی (علیه السلام) را با هم بخوانیم:

«بار خدایا! به تو پناه می برم از اینکه

متوجه می شود که کار از کار گذشته است. بنابراین، هنگامی که نخستین وسوسه های اشاعه فحشا یا هر گناه دیگری آشکار می شود، باید همان جا در مقابل آن ایستاد تا این آلودگی گسترش پیدا نکند.

شیطان نقشه و روش خود را بیان می کند و می گوید: ناگهان بندگان تو را از چهار طرف محاصره می کنم تا از راهت منحرف سازم.

اولین قدم برای مقابله با شیطان، پاک سازی خود از آلودگی هایی است که شیطان در انسان ایجاد کرده است. بهترین چیزی که گناهان را می شوید، از نظر قرآن، توبه است. دل را باید از زنگارها زدود تا نور الهی بتواند در آن جای گیرد. نخستین اقدامی که شیطان به واسطه آن آدم را به لغزش کشاند، با توبه جبران شد:

(فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ) (پس آدم از خدای خود کلماتی آموخت و خداوند توبه او را پذیرفت، زیرا خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است). (بقره، ۳۷) و موضوع دیگر ذکر مداوم و فراوان خداوند یکی از چیزهایی است که از نظر قرآن حد معینی ندارد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ (ای اهل ایمان! خدا را بسیار یاد کنید). (احزاب، ۴۱)

به دلیل اینکه عوامل غفلت در زندگی مادی بسیار فراوان است و تیرهای وسوسه شیاطین از هر سو به طرف انسان پرتاب می شود، برای مبارزه با آن راهی جز «ذکر کثیر» نیست. «ذکر کثیر» به معنی واقعی کلمه، تنها با

اطمینان دست یابد. اما به راستی بسیاری از افراد در پناه جستن دچار اشتباه می شوند و بیشتر وارد وادی ظلمت می شوند. همانند اینکه خداوند سبحان می فرماید:

پناه بردن گروهی از آدمیان به جن را موجب گمراهی و خسران بیشتر آنان برشمرده است.

﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾ (و همانا مردانی از نوع بشر به مردانی از گروه جن پناه می بردند و جَنّیان بر غرور و جهل آن ها سخت می افزودند). (جن، ۶)

آری، هم خدا و هم شیطان وعده داده اند؛ ولی وعده الهی راست است: ﴿...وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ...﴾ (... و هرگز خدا در وعده خود (به عذاب آنان) خلف نخواهد کرد...). (حج، ۴۷)

ولی وعده های شیطان جز دروغ و فریب چیز دیگری نیست: ﴿مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ (ولی آنان را چیزی به جز غرور و فریب وعده نمی دهد). (نساء، ۱۲۰ و اسراء، ۶۴)

پس بر خدا توکل کنید و از ضرر نجوای منافقان اندوهگین نشوید. او وعده داده که ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (هرکس بر او توکل کند، خدا برایش کافی است). (طلاق، ۳) اگر به خدا ایمان دارند، باید بر او توکل کنند که او در دفع شرّ دشمنان کافی است.

یادمان باشد نفوذ افکار و اعمال شیطانی گاه به صورت تدریجی و کم رنگ است و اگر در همان گام های نخست کنترل نشود، زمانی انسان

سید احمد الحسن (علیه السلام):

در هر صورت، همین تورات و انجیل امروزی هر دو به حاکمیت خدا در زمینش اقرار دارند. نه به حاکمیت مردم. و این دو، کتاب های آسمانی و دلیل انکارناپذیر برای یهودیان و مسیحیان هستند.

(حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم، ص ۳۸)



تمام وجود به او پناه برد.

توکل همیشگی و مداوم به خداوند متعال به همراه ایمان راسخ، مانع تسلط شیطان خواهد بود. توکل از لوازم ایمان است و عبارت است از اعتماد قلبی و وابستگی به نیروی قاهری است که هیچ قدرتی نمی تواند بر آن غلبه کند؛ بلکه موجب ثبات و استقامت شخص متوکل در انجام عمل می شود. ادامه دارد...

با پناه بردن به خدا، در انسان این حالت تحقق پیدا می کند. شیطان خود در آغاز کار به این حقیقت واقف بود که بندگان مخلص خدا در مرحله ای از ایمان قرار دارند که او نمی تواند آن ها را گمراه سازد.

پس مؤمنان باید در نظر بگیرند که به هر حال، اگر با سلاح ایمان به خدا پناه ببرند، خداوند نیز از آنان دفاع خواهد کرد؛ البته مقصود، پناه بردن لفظی نیست، بلکه باید با

با وجود توانگری تو، من تهیدست باشم؛ یا با وجود هدایتگری تو، در گمراهی به سر برم؛ یا با آنکه قدرت و پادشاهی از آن توست، به من ستم شود؛ یا با آنکه زمام اختیار امور در دست توست، من مقهور و خوار گردم.» نهج البلاغه، خطبه ۲۱۵

فایده پناه بردن به خداوند این است که شیطان بر کسانی که ایمان آورده اند و به پروردگارشان توکل کرده اند، نفوذ و سلطه ای ندارد و



سید احمد الحسن (علیه السلام):

قرآن از ابتدا تا انتها بر حاکمیت خدا و نپذیرفتن حاکمیت مردم تصریح دارد.

(حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم، ص ۳۸)





قبل از شما جفا می‌رساندند»، نشان می‌دهد انبیا با شرایطی شبیه یکدیگر مواجه بودند! در انجیل می‌خوانیم: (عیسی ایشان را گفت: «نبی بی‌حرمت نباشد جز در وطن خود و میان خویشان و در خانه خود»). (مرقس ۶: ۴)

این سخن عیسی مسیح حتی نشان می‌دهد فرستادگان در وطن خود چگونه با شرایط مشابه مواجه می‌شوند.

بله! تاریخ با فرستادگان تکرار می‌شود؛ کجایند آن عبرت گیرندگان؟! آیا این حقیقت را می‌بینند که هر زمانی را هابیلی است و با او نیز قائی (قاییل)؟! (قائن به برادر خویش هابیل گفت: «بیا تا به صحرا برویم». و چون در صحرا بودند قائن بر برادرش هابیل برخاست و او را کشت). (پیدایش ۴: ۸).

در ادامه مثالی از تکرار تاریخ را با یکدیگر مرور می‌کنیم.

از یوسف تا عیسی

یوسف عليه السلام یکی از انبیای خداست، گرچه مسیحیان او را نبی نمی‌پندارند؛ اما آنچه بسیار قابل تأمل است این قضیه است که برخی حوادثی که در دوران زندگی

داستان‌های فرستادگان، عبرتی برای آیندگان

قسمت اول

کتاب مقدس به ما نشان می‌دهد چگونه داستان‌ها تکرار می‌شود. این بسیار عجیب و از طرفی ناراحت‌کننده است. عجیب از این جهت که حوادث تکرار می‌شود و ناراحت‌کننده از این بابت که مردم درباره آن تفکر نمی‌کنند و همان اشتباهات پیشینیان را تکرار می‌کنند.

تکرار تاریخ با فرستادگان

عیسی فرمود: (خوشحال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند، و به خاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه گویند. خوش باشید و شادی عظیم نمایید؛ زیرا اجر شما در آسمان عظیم است؛ زیرا همین طور بر انبیای قبل از شما جفا می‌رساندند). (متی: ۵: ۱۱ و ۱۲)

وقتی عیسی می‌گوید «زیرا همین طور بر انبیای

سید احمد الحسن عليه السلام:

خداوند این فرمانروایی یا حاکمیت الهی را به هرکس که بخواهد عطا می‌کند و الزامی نیست که فرمانروای تعیین‌شده از طرف خدا در عمل حکومت کند؛ چه بسا مغلوب و از سکان فرمانروایی رانده شود.

(حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم، ص ۳۹)

شریعت ما بر کسی فتوا می دهد، جز آنکه اول سخن او را بشنوند و کار او را دریافت کنند؟» ایشان در جواب وی گفتند: «مگر تو نیز جلیلی هستی؟ تفحص کن و ببین؛ زیرا که هیچ نبی از جلیل برنخاسته است.» پس هریک به خانه خود رفتند. (یوحنا ۷: ۵۰ تا ۵۳)

۲. یهودا یکی از یازده برادر یوسف پیشنهاد فروش یوسف به تجارت را ارائه کرد و سرانجام با ۲۰ پاره نقره او را به اسماعیلیان فروختند؛ این قضیه شبیه خیانت یهودای اسخریوطی یکی از دوازده شاگرد است: (آنگاه یکی از آن دوازده که نامش یهودای اسخریوطی بود، نزد رؤسای کهنه رفته، گفت: «مرا چند خواهید داد تا او را به شما تسلیم کنم؟» ایشان سی پاره نقره با وی قرار دادند). (متی ۲۶: ۱۴ و ۱۵)

۳. یوسف به مصر برده شد و عیسی نیز برای نجات جانش به مصر برده شد: (و چون ایشان روانه شدند، ناگاه فرشته خداوند در خواب به یوسف ظاهر شده، گفت: «برخیز و طفل و مادرش را برداشته به مصر فرار کن و در آنجا باش تا به تو خبر دهم، زیرا که هیرودیس طفل را جست و جو خواهد کرد تا او را هلاک نماید.» پس شبانگاه برخاسته، طفل و مادر او را برداشته، به سوی مصر روانه شد) (متی ۲: ۱۳ و ۱۴)

۴. در پیدایش ۴۱: ۴۶ درباره شروع خدمت یوسف علیه السلام می خوانیم: (و یوسف سی ساله بود وقتی که به حضور فرعون، پادشاه مصر بایستاد، و یوسف از حضور فرعون بیرون شده، در تمامی زمین مصر گشت). و درباره عیسی علیه السلام می خوانیم: (و خود عیسی وقتی شروع کرد، قریب به سی ساله بود. و حسب گمان خلق، پسر یوسف بن هالی). (لوقا ۳: ۲۳)

در پایان

کتاب مقدس به ما گزارشی از داستان های فرستادگان را می دهد. این داستان ها بر روی زمین تکرار می شوند؛ در بیان آن ها علتی نهفته است و آن، درس گرفتن مردم و تکرار نکردن دوباره آن برخوردها با فرستادگان است.

اگر خدا بخواهد، ادامه دارد ...

او پیش آمد، با دیگر فرستادگان خدا نیز اتفاق افتاد؛ به عنوان مثال با عیسی علیه السلام.

اما ابتدا به کتاب پیدایش، فصل ۳۷ آیات ۱۷ تا ۲۸ رجوع می کنیم: (آن مرد گفت: «از اینجا روانه شدند، زیرا شنیدم که می گفتند: به دوتان می رویم.» پس یوسف از عقب برادران خود رفته، ایشان را در دوتان یافت. و او را از دور دیدند، و قبل از آنکه نزدیک ایشان بیاید، با هم توطئه دیدند که او را بکشند. و به یکدیگر گفتند: «اینک این صاحب خواب ها می آید. اکنون بیایید او را بکشیم، و به یکی از این چاه ها بیندازیم، و گوییم جانوری درنده او را خورد. و ببینیم خواب هایش چه می شود.» لیکن رؤبین چون این را شنید، او را از دست ایشان رها نیده، گفت: «او را نکشیم.» پس رؤبین بدیشان گفت: «خون مریزید، او را در این چاه که در صحراست، بیندازید، و دست خود را بر او دراز مکنید.» تا او را از دست ایشان رها نیده، به پدر خود رد نماید. و به مجرد رسیدن یوسف نزد برادران خود، رختش را یعنی آن ردای بلند را که در بر داشت، از او کردند. و او را گرفته، در چاه انداختند، اما چاه، خالی و بی آب بود. پس برای غذا خوردن نشستند، و چشمان خود را باز کرده، دیدند ناگاه قافله اسماعیلیان از جلعاد می رسد، و شتران ایشان کتیرا و بلسان و لادن باردارند، و می روند تا آن ها را به مصر ببرند. آنگاه یهودا به برادران خود گفت: «برادر خود را کشتن و خون او را مخفی داشتن چه سود دارد؟ بیایید او را به این اسماعیلیان بفروشیم، و دست ما بر وی نباشد؛ زیرا که او برادر و گوشت ماست.» پس برادرانش بدین رضا دادند. و چون تجارت مدیانی در گذر بودند، یوسف را از چاه کشیده، بر آوردند؛ و یوسف را به اسماعیلیان به بیست پاره نقره فروختند. پس یوسف را به مصر بردند).

در اینجا به چند نکته دقت کنید:

۱. همان طور که مشخص است، برادران یوسف بر او حسد داشتند و قصد کشتن او کردند؛ اما در همان ابتدا یکی از آن ها با کشتن او مخالف بود؛ و این موضوع با عیسی علیه السلام تکرار شد: (نیقودیموس، آنکه در شب نزد او آمده و یکی از ایشان بود، بدیشان گفت: «آیا

سید احمد الحسن علیه السلام:

با اینکه در طول تاریخ به آل ابراهیم فرمانروایی و حکومت الهی داده شد، آن ها ضعیف نگاه داشته و مغلوب و از کرسی حکومت دور نگه داشته شدند و تاریکی و ظلمت بر سکان حکومت سایه افکند.

(حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم، ص ۳۹)



شیخ ناظم عقیلی پاسخ می دهد

تفاوت میان روایات ائمه و روایات مهدیین ناشی از چیست؟

این عقیده از مدعیان مصون بماند.

تفاوت تعبیر میان ائمه و مهدیین نیز می تواند از همین باب باشد؛ چون در صورت استفاده از تعبیر ۲۴ امام، پس از غیبت امام دوازدهم، با این تصور که تعداد امامان ۲۴ نفر است و نه فقط ۱۲ نفر، انحرافات پدید می آمد؛ چنان که اکنون هم که امر مهدیین در لفافه و به صورت پنهانی بیان شده بود، برخی درباره عقیده مهدیین به خطا رفتند؛ نمونه اش اباسهل نوبختی عالم سرشناس شیعه در قرن سوم و چهارم که گفته است امام مهدی در غیبتش از دنیا رفته و فرزندان او به امامت رسیده اند تا در نهایت یکی از آن ها به حکومت برسد. (ر.ک: فهرست ابن ندیم بغدادی، ص ۲۲۵)

چهارم: به دنبال حفاظت از عقیده مهدیین از ادعای مدعیان دروغین، اهل بیت به بیان عقیده مهدیین و امامان از نسل قائم در ادعیه و اذکار روی آوردند؛ زیرا معمولاً مدعیان و مخالفان از ادعیه غافل بودند و آن را صرفاً مناجاتی بین ائمه و خداوند به شمار می آوردند.

پنجم: پرده پوشی و بیان سر بسته روایات مهدیین، در بسیاری از اوقات منجر به این شده که راویان و مؤلفین شیعه از نقل روایات مهدیین و گردآوری آن در کتب، چشم پوشی و صرف نظر کنند؛ زیرا این روایات

و اساس، وجود ساختمان را نفی نمی کند.

سوم: طبیعتاً اگر نصوص مربوط به مهدیین مثل نصوص مربوط به ائمه، به شکل پر تعداد و آشکارا بیان می شد، در این صورت پس از غیبت امام مهدی زمینه برای مدعیان دروغین فراهم بود و ادعاهای دروغین زیادی بر پایه نصوص مطرح می شد؛ خصوصاً که بدانیم امامت ائمه، به صورت مباشر و بدون فترت و فاصله زمانی بود و در صورت بروز انحرافات نظیر واقفیه، در هر زمان امامی وجود داشت که انحراف را تبیین نموده و از دین محافظت می نمود. این در حالی است که مدت زمان غیبت میان به امامت رسیدن امام مهدی و آمدن مهدی اول، چند برابر مجموع دوران امامت ائمه است و اگر عقیده مهدیین و اوصیای امام مهدی به شکل علنی مطرح می شد، در این زمان طولانی ادعاهای دروغین زیادی مبنی بر وفات امام مهدی و انتقال امامت به مهدیین شکل می گرفت و ده ها و بلکه صدها ادعای همراه با نص به وجود می آمد.

در حقیقت به همان اندازه که نسبت به امامت ائمه تأکید و سفارش شده تا این عقیده محفوظ بماند، به همان میزان هم نسبت به روایات مهدیین پرده پوشی صورت گرفته تا

با وجود آنکه به گواه روایات متواتر، مهدیین دوازده گانه نیز مانند امامان دوازده گانه، وصی و امام هستند، اما نصوص مربوط به عقیده مهدیین از حیث تعداد، صراحت و آشکار بودن، قابل مقایسه با روایات مربوط به ائمه نیستند.

به دنبال این تفاوت، برخی سؤال یا اشکالی را مطرح کرده و می گویند: اگر مهدیین حجت و امام بودند، امامت آن ها از نصوص و متون دینی به روشنی به دست می آمد.

اما پاسخ این اشکال چه بوده و حکمت این تفاوت چیست؟

اول: طبیعتاً اگر روایات مربوط به عقیده مهدیین از حیث صدور و دلالت، یقینی باشند مجال به طرح چنین اشکالی نمی رسد؛ زیرا ملاک، روایاتی است که قطعی الصدور و قطعی الدلالة باشد و در این بین، تفاوت میان تعداد دو دسته از روایات متواتر، جای سؤال ندارد؛ زیرا مسئله، مسئله مسابقه و رقابت عددی نیست.

دوم: امر امامت ائمه و تعیین اشخاص امامان دوازده گانه، امتحان اول و بزرگ تر بوده و اساس دین و حاکمیت خداوند است و طبیعی است که پایه و اساس و پیریزی یک ساختمان، از بنای ساختمان محکم تر باشد و در عین حال استحکام پایه

سید احمد الحسن علیه السلام:

آنچه بر مردم واجب است این است که سکان رهبری را در اختیار خلیفه و جانشین خدا در زمینش قرار دهند که اگر چنین نکنند بهره شان از دست می رود و پروردگارشان را خشمگین می کنند.

(حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم، ص ۴۰)



ائمه وجود داشت و به دنبال آن، روایات مربوط به امامت ائمه از تعداد بیشتری برخوردارند.

بخشی از سخنرانی شیخ ناظم عقیلی در گروه «الدعوة المهدویة» به مناسبت ولادت امام رضا علیه السلام

به دنبال آن، روایات مهدیین کمتر از روایات مربوط به ائمه که مؤلفین هر جا آن را می‌یافتند نقل و گردآوری می‌نمودند نقل شود.

ششم: سعی و اهتمام مؤلفین شیعه در مقابله با جبهه‌ها و شبهاتی بوده که در آن زمان نسبت به امامت

به نحو اجمالی و غیر آشکار بیان شده بود و در نظر راویان و مؤلفین، مخالف عقیده مشهور و مخالف با مسئله حصر تعداد امامان دوازده‌گانه به شمار می‌آمد و همین موجب آن می‌شد فردی که از آن آگاهی نداشت، آن را در کتب، نقل و گردآوری نکند و



سید احمد الحسن علیه السلام:

جانشین خدا باید حاکم در زمین هم باشد و اولین جانشین خدا آدم علیه السلام است و در هر زمانی خدا جانشینی در زمینش دارد.

(حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم، ص ۴۱)

حل جدول شماره دو

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
ی	ص	و		ن	ی	ی	د	ه	م	ل	ا	ل	و	ا	۱
ل	ی	ص	ا		و	ر	ا	د		ت	ی	ا	ل	و	۲
	د	ی	ق		ن	ا	و	ا	ل				ا	ل	۳
م		ت	ا	م	س		د	ی		ا	ی	ل	ی	ا	۴
د	ی	ش	ر			ا		ت	ا	ر	ف		ت	ل	۵
ا		ب	ب		م	ل	ع			ی	و	س	ا	م	۶
د	ر	و		م	ر	ح	م		ا	د	ر		ه	و	۷
	ی	ف		ر	و	ا		ی	ح	و		ک	ل	م	۸
	ه	ا	ی	گ		د	ی	ع	و		ل	ی	ب	ن	۹
	ه	ت	م		ل			د	ا	ک	ی		ی	ی	۱۰
ف	ا		ا		و	ن	م		ل		ل		ت	ن	۱۱
ط			ن	ی	ق	ی		م	ق	س		ه			۱۲
ر		ن	ی	م	ا		م	و	د	ن	ا	م	س	ا	۱۳
ت	و	ق		ن		ا	ض	ر	م	ا	م	ا		د	۱۴
	ا	د	ف		ن	ا	ی	د	ا		د	م	ح	م	۱۵

سید احمد الحسن (علیه السلام)

در این زمان جانشین خدا مهدی (علیه السلام) است؛ بنابراین بر همه مردم واجب است شرایط لازم را برای حاکم شدن ایشان فراهم کنند؛ چراکه او از طرف خدای سبحان و متعال تعیین شده است، نه با دموکراسی و انتخابات!

(حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم، ص ۴۱)

احکام و شعائر حسینی



اشکالی ندارد؛ تا هنگامی که به عنوان شعائری باشد که از آن، عزاداری برای قاسم بن حسن و یادآوری مصیبت کربلا قصد شده باشد.

﴿پاسخ های فقهی متفرقه، جلد ۵، پرسش ۹﴾

شب هشتم ماه محرم به قاسم بن حسن علیه السلام اختصاص دارد. در این شب به نیت عروسی قاسم- شمع ها روشن می کنند، حنا می بندند و شیرینی توزیع می کنند... آیا با وجود حزن و اندوه مصیبت عاشورا انجام چنین کارهایی تناسبی دارد؟ و آیا مسئله عروسی قاسم و عقد آن بزرگوار با سیده سکینه، صحت دارد؟

جایز است.

﴿سید احمد الحسن علیه السلام، ۲۵ محرم ۱۴۴۲ق، پاسخ های جدید فقهی، پرسش ۵﴾

آیا بعد از روز دهم ماه محرم جاری کردن عقد یا شرکت در آن یا عمل زفاف جائز است؟

سید احمد الحسن علیه السلام:

بدیهی است که حاکم در هر زمان با مسائلی جدید روبه رو می شود و ناگزیر باید دارای تسدید و علمی خاص از طرف خدا باشد تا با این علم، حکم خدا را در مسائل جدیدی که رخ می دهد بداند.

(حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم، ص ۴۲)





جایز نیست. این مبلغ را [می توانی] بعدها در عزای امام حسین علیه السلام هزینه کنی.

﴿احمد الحسن علیّه السلام ۲۵ محرم ۱۴۴۲ق، پاسخ های جدید فقهی﴾

نذر کرده ام هر سال محرم، پنج روز مجلس عزای امام حسین علیه السلام برپا کنم و آن را در خانه عمویم برپا می کرده ام؛ ولی به خاطر ویروس کرونا مجلس در خانه عمویم برگزار نمی شود. آیا جایز است به جای اقامه عزای برای امام حسین علیه السلام، به مدت پنج روز مبلغی به فقرا بپردازیم؟

می توانی برای عزاداری و انتشار حق بروی؛ مثلاً با مطرح کردن قانون شناخت حجت و علمی که از دعوت حق فرا گرفته ای.

﴿پاسخ های فقهی، جلد ۱، پرسش ۵﴾

من از طلبه های حوزه هستم. سنی از من گذشته است و خادم منبر شریف حسینی هستم. برای ماه محرم امسال در عراق برای عزاداری مرا دعوت کرده اند. به آنجا بروم یا نه؟ با توجه به اینکه کسانی که مرا دعوت کرده اند مؤمن به این دعوت حق نیستند.

سید احمد الحسن علیّه السلام:

کسانی که کنار حق می ایستند، همواره در معرض نابود شدن شخصیتشان در جامعه یا سخنان تزویرآمیز و افتراها و دروغ ها و بهتان هایی- هستند که از سوی دشمنان انبیا و مرسلین علیهم السلام به آنها وارد می شود.

(متشابهات، جلد ۱، سؤال ۱۴)





هم پیمان با حسین زمان السلامه

بوی عزا و مصیبت پیچیده در فضا
گویی که نزدیک است آری شور عاشورا
هرچند عاشورا تمام لحظه های ماست
هرچند کل ارض شد مانند کربلا
افتاده در غلیان دل دیوانگانِ دهر
از نو شده مُحرم و از نو شده عزا
چون حرمت حریم حسین را شکسته اند
حال و هوای آسمان خون است از جفا
آنجا که اسبی شیعه ای اندوه می کشد
انسان چرا از آدمیت می شود جدا؟
مصدق «کالا نعام» شد بل هم از آن بدتر
پاسخ چه خواهند داد این نامردمان فردا
این قصه و افسانه یا اسطوره ای نبود
عین حقیقت است آن ذبحی که شد فدا
با هر محرم عرضه شد بر این بشر «الست»
هر عصر را بی شک حسینی آیدش از نو
خواهی عمر باشی میان معرکه یا خُر؟
از خواب خود برون شو و آغشته کن وجود
خواهی بگیری دست هند یا دامن زهرا؟
با نغمه ای «فزت وربی» خویش کن رها

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد

ای یهودیان! فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخرالزمان متولد

می شود، اکنون در میان ماست.

ای شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام مهدی

و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود، سال هاست که

منتظر شماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با

سندی از علم و شگفتی ها آمده است.